

خانه شیطان

احمد حرب که یکی از زهاد و اهل حال و کشف بوده بامدادی از بازاری در نیشابور می‌گذشت. دید شیطان، پرچمی بر افراشته و دور اوشیاطین صف بسته‌اند.

گفت: ای بیچاره! به چه طمع این جا آمده‌ای؟ پاسخ داد: بازار دنیا، خانه من است، به خانه خود آمده‌ام، تو از مردم بپرس که چرا به خانه من آمده‌اند؟ احمد گفت: آنان آمده‌اند تا کسبی کنند و نانی برای رفاه زن و فرزند و زندگی خود به دست آورند.

شیطان گفت: من نیز می‌کوشم تا یکی را به جهنم ببرم؟ آنان به مال من دست می‌زنند، من نیز در سینه آنان دست می‌زنم و وسوسه می‌کنم. به آنها بگو از خانه من بیرون روند و آن را به من واگذارند تا من هم از سینه آنها بیرون روم.

حضرت رسول فرمود: شیطان بار اول کسی که داخل بازار می‌شود، داخل و با آخرین کسی که بر می‌گردد، او هم بر می‌گردد. (۱۱۲)

و نیز حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: بدترین بقعه‌های زمین بازار است و آن میدان میدان و محل جولان دادن شیطان می‌باشد. اول صبح با پرچم خود می‌آید و آن را نصب می‌کند، تخت خود را در بازار می‌گذارد و فرزندان خود را در آن پراکنده می‌کند، به هر کدام از آنها دستور می‌دهد که مردم بازار را وسوسه کنند. در متر کردن پارچه خیانت و از آن کم نمایند. به عده‌ای دیگر می‌گوید: وسوسه کنید که اهل بازار در تعریف جنس خود قسم دروغ بخورند و با قسم، جنس پست خود را خوب جلوه دهند و بفروشند.

بعد از آن به فرزندان خود خطاب می‌کند و می‌گوید: بر شما باد مردمی که پدر آنها مرده - مراد حضرت آدم علیه السلام است - ولی پدر شما هنوز زنده می‌باشد. کوشش کنید که با اول کس داخل بازار شوید و

با آخرین کس خارج شوید. (۱۱۳)

از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: بازار خانه سهو و غفلت و بی خبر شدن از خداست. کسی که در بازار تسبیح بگوید، خداوند برای هر تسبیح او هزار هزار حسنه می نویسد. و در قیامت او رami بخشد. بخشیدنی که به قلب احدی خطور نکرده باشد. (۱۱۴)

و حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر می خواهی شیطان را دور کنی یاد خدا کن. چون خدا را یاد کردن باعث راندن و فرار شیطان می شود. (۱۱۵)

میدان شیطان

میدان محل اجتماع و محل تجارت و خرید و فروش اجناس گوناگون است.

جایی که رفت و آمد در آن برای همه آزاد است و هر کس هر چه بخواهد در آنجا به دست می آورد.

از جمله کسانی که در آن میدان رفت و آمد می کند و آن جا را از نظر دور نمی دارد و بیشتر وقتش را در آن صرف می کند شیطان است. از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله آن جا را بدترین بقعه های زمین می داند. (۱۱۶)

از امام باقر علیه السلام نقل شده که: یک نفر اعرابی (از طایفه بنی عامر) خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مشرف شد و پرسش هایی از آن حضرت کرد. از جمله سؤال ها این بود که گفت: یا رسول الله! بدترین بقعه های زمین کجاست؟ بعد از آن که جبرئیل نازل شد و آن حضرت را آگاه نمود. فرمود: ای اعرابی! بدترین بقعه های زمین بازارها است. آن جامیدان و محل تاخت و تاز شیطان می باشد. بامدادان با پرچم خود وارد آن جا می شود و آن را بر می افرازد و تخت خود را کنار آن بر زمین می گذارد و بر آن می نشیند. فرزندانش را در بازار می پراکند و به هر کدام دستوری جداگانه می دهد.

بعضی از آنان، با کیل سروکار دارند، وسوسه می کنند که کیل درست نباشد. عده ای از آنان کسانی که اجناس را به درستی وزن می کنند وسوسه می کنند که در آن دست ببرند. عده ای را وسوسه می کنند که در ذرع و متر دزدی کنند، در فروختن اجناس خود قسم دروغ بخورند به بعضی دستور تقلب، غش در معامله، ربا و سود گرفتن می دهند. به ذریه و فرزندان خود می گوید: کوشش کنید درباره کسانی که پدرشان (حضرت آدم علیه السلام) مرده، ولی پدر شما - که من باشم - زنده است و - شما را راهنمایی می کند. شیطان با اول کسی که داخل بازار می شود داخل می گردد و با آخرین کسی که از بازار خارج می شود بیرون می رود. (۱۱۷)

حضرت علی علیه السلام به حارث همدانی می فرماید: بپرهیز از نشستن بر سر گذرها و در مراکز عمومی و بازارها و مراکز تجارت، زیرا در آن جاها محل حضور شیطان - و وسوسه های او است - محل پیشامد فتنه ها و تباه کاری ها است. شیطان سعی می کند افراد را برای تاءمین منافع خودشان به دروغ، تهمت و انحراف بکشاند و به دنبال آن اضطراب و آشوب و نگرانی به وجود آورد. غالباً مردم در این جاها به امور دنیا و کارهای خلاف دین مشغول اند. پس تا می توانی باید از مراکز و بازارها که میدان ابلیس است دور شوی تا داخل فتنه و فساد نشوی. (۱۱۸)

فرودگاه شیطان

شیطان برای خود زندگانی مخصوصی مانند: شهر، رودخانه، خوابگاه، نهارخوری و فرودگاه دارد. فرودگاه جایی است که اجازه می دهند روز و شب وسایل حمل و نقل از اطراف آسمان به آنجا فرود آید. فرودگاه شیاطین یعنی جایی که همیشه آن جا می نشینند! و آن روح پلید کسی است که به زبان و اعضای دیگر خود گناه می کند، دروغ می گوید، فحاشی می کند، تهمت می زند، غیبت می نماید، آبروی مردم را می برد. زخم زبان می زند، به ناموس مردم نگاه می کند، با دست

و پا و جمیع اعضا و جوارح مرتکب گناه می شود.
فرودگاه شیاطین قلب آن کاهنان و جادوگرانی است که با شیاطین
ارتباط دارند. آنان مطالب حقی را که شیاطین از ملائکه می شنوند، با
دهه‌داروغ به کاهنان دیگر می گویند، آنها هم دهه‌ها دروغ دیگر را به
آنها می افزایند و به خورد مردم می دهند. قرآن فرودگاه او را این طور
بیان می نماید:

«هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین تنزل علی کل افاک اثیم
یلقون السمع و اکثرهم کاذبون

«آیا به شما خبر دهم، شیاطین بر چه کسی نازل می شوند؟ بر
هر دروغ‌گوی گنه کار نازل می گردند. آنها آن چه را می شنوند به
دیگران القا کنند و اکثرشان دروغ گو هستند» (۱۱۹).

شیطان موجودی است ویران گر، مودی و مخرب، القائات او در
مسیر فساد و تخریب است. مشتریان او دروغ‌گویان و گنه کاراند که
قلب آنها مانع از زنبور محل آمد و شد شیطان‌ها است، مانند
فرودگاه‌های بزرگ دنیا که در هر ساعت ده‌ها طیاره فرود می آیند و
بلند می شوند.

شاخ شیطان

از جمله شیطان صفتانی که در این زمان بروز کرده‌اند و قتل و غارت
و کشتارشان، جنایت و ضربه زدن به اسلام و قرآن و توحیدشان، بر
هیچ کس پوشیده نیست، فرقه وهابی‌های مرتد و گمراه کننده
می باشند که بر کشور حجاز حکومت می کنند و بر حرمین شریفین
تسلط دارند.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله از آمدن آنها خبر داده و آنان را
شاخ شیطان نامیده است. بخاری که یکی از علمای اهل تسنن است در
کتاب خود از عبدالله عمر روایت میکند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و
آله وسلم دوبار فرمود: خدایا! به ما، در یمن برکت بده، خدایا به ما، در

شام برکت بده، اصحاب عرض کردند: یا رسول الله بفرمایید به نجد ما هم برکت بده!

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نجد؟! جای زلزله‌ها و فتنه‌ها است و شاخ شیطان از آن جا بیرون می‌آید.

نیز بخاری از پدرش روایت می‌کند که گفت: روزی پیغمبر اسلام در کنار منبر ایستاد و فرمود: فتنه و فساد از آن جا است. از آن جا که شاخ شیطان بیرون می‌آید!

و نافع از عبدالله عمر روایت می‌کند که گفت: حضرت رسول صلی الله علیه و آله روبه طرف مشرق کرد و فرمود: آگاه باشید که فتنه و فساد در آن جا است، آن جا که شاخ شیطان بیرون می‌آید.

در شرح السنّة از عقبه بن عمر روایت می‌کند که گفت: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با دست خود به طرف یمن کرد و فرمود: آگاه باشید که آن جا پربرکت است. بدانید و آگاه باشید که قساوت و سنگ دلی در میان شتر دارانی است که در زیر دم شتران هستند، جایی که شاخ شیطان از آن جا بیرون می‌آید. (۱۲۰)

آن حضرت از یمن تعریف و از نجد بدگویی کرده و می‌گوید: جای زلزله و فتنه‌ها و فساد نجد است، قساوت و سنگدلی در میان شترداران است که همان نجد باشد، و شاخ شیطان از آن جا بیرون می‌آید. حضرت فرقه‌وهایی را تعبیر به شاخ نموده، چون شاخ حیوانات برای انسان و دیگر حیوانات بسیار خطرناک می‌باشد. - ممکن است انسان به وسیله شاخ زدن حیوان از بین برود.

خطر وهابی برای اسلام و مسلمین بسیار زیاد است. آنها اگر بتوانند تمام مسلمین را به عنوان مشرک و کافر می‌کشند، اموال آنان را به غارت می‌برند، اسلام را به اسم اسلام نابود می‌کنند.

معروف است که وقتی نجدی‌های مهاجم به سرکردگی عبدالعزیز پسر مسعود، پدر پادشاهان کنونی عربستان، مدینه منوره را اشغال کردند و قبر امامان و زنان و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله در بقیع را خراب کردند، خواستند قبر مقدس پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را هم خراب کنند. ولی با اعلام خطر ممالک اسلامی و بیشتر علمای هند روبه رو شده، از بیم اعتراض دنیای اسلام خودداری کردند.

می‌گویند: نجدی‌های مهاجم یعنی سربازان عبدالعزیز بن مسعود و پیروان محمد بن عبدالوهاب روی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله قهوه می‌کوبیدند و فریاد می‌زدند: محمد! «قم قم!! انت قلت النجد قرن الشیطان» یعنی ای محمد! برخیز، برخیز! تو گفتی که نجد شاخ شیطان است؟! (۱۲۱)

از جمله عقاید وهابی‌ها (شاخ شیطان) این است که: ۱. خدا را جسم‌میدانند، برای او دست و پا، صورت و اعضا در نظر می‌گیرند، ۲. همه مسلمانان را به غیر از خودشان کافر و مشرک دانسته و قتل و غارت آنان را جایز می‌دانند، ۳. خراب کردن قبر امامان و پیغمبران را واجب دانسته، ۴. زیارت کردن را حرام و شرک می‌دانند. در زمان خودمان شمه‌ای از جنایات و قتل و کشتار آنها را دیدیم و شنیدیم که چگونه در جمعه خونین مکه در چهارم دیحجه الحرام مطابق نهم مرداد سال ۶۶ حمله کردند و صدها نفر از زائران خانه خدا را قتل عام کرده و هزاران نفر را مجروح ساختند. موحدین و یگانه پرستان را مشرک دانسته و حتی آخوندهای درباری آنان، فریاد می‌زدند و می‌گفتند «اقتل المجوس اقتل المشرکین» مجوس و مشرکین را بکشید.

منبر شیطان

در خبر است که: در شب هفدهم ماه مبارک رمضان که پیغمبر صلی الله علیه و آله به معراج تشریف برد و همه جا را دید و در همان شب مراجعت فرمود. صبح آن شب، شیطان خدمت آن سرور مشرف شد و عرض کرد: یا رسول الله! شب گذشته که به معراج تشریف بردید، در آسمان چهارم طرف چپ «بیت المعمور» منبری بود، شکسته و سوخته و به رو افتاده. آیا شناختی آن منبر را و متوجه شدید که از کیست؟ آن حضرت فرمودند: خیر، آن منبر از کیست؟ شیطان عرض کرد: آن منبر از من است و صاحب آن بودم! بالای آن می‌نشستم و ملائکه پای

منبر من حاضر می شدند، از برای آنها راه بندگی حضرت منان را می گفتم. ملائکه از عبادت و بندگی من تعجب می کردند! هر وقت که تسبیح از دستم می افتاد، چندین هزار ملک بر می خاستند، تسبیح را می بوسیدند و به دست من می دادند. اعتقاد من این بود که خداوند از من بهتر چیزی را خلق نفرموده، ولی یک بار دیدم امر به عکس شد و رانده درگاه اوشدم. و الان کسی از من بدتر و ملعون تر در درگاه احدیت نیست. ای محمد صلی الله علیه و آله وسلم! مبادا مغرور شوی و تکبر نمایی، چون هیچ کس از کارهای الهی آگاه نیست. در ملاقات خود با حضرت یحیی عرض کرد: من جزو ملائکه بودم و چهار هزار سال سرم را از یک سجده بر نداشتم، ولی عاقبت این شد که از صفوف ملائکه بیرون شدم و مطرود و مردود و ملعون درگاه حق تعالی گردیدم. (۱۲۲)

جایگاه شیطان

همان طور که انسان به جایی نیاز دارد - چه در دنیا و چه در عالم برزخ و قیامت - شیطان ها هم به مکان احتیاج دارند. جای هر کدام از نظر پستی و بلندی فرق دارد، برای هر کدام جایگاه مخصوصی است. وقتی انسان مرد وارد عالم برزخ می شود. اگر از نیکان و پاکان باشد جایگاه او در «وادی السلام» نجف و در کنار پیامبران و امامان معصوم و اولیاء الله علیهم السلام می باشد، اگر از بدن و ناپاکان بوده جایگاهش در چاه های وادی برهوت، که در سرزمین یمن قرار دارد، می باشد. بعد از عالم برزخ و داخل شدن در عالم قیامت، جایگاه پاکان در «اعلاعلیین» که در آسمان هفتم قرار دارد می باشد و آن جا برای کفار و مجرمان و اهل نفاق آماده شده است. و همان «سجین» جایگاه شیطان و پیروان او هم خواهد بود. ابن عباس پیش کعب الاحبار آمد و گفت: از قول خداوند می فرماید:

«ان کتاب الفجار لفی سجين.» (۱۲۳) «برایم بگو. در

جواب گفت: وقتی روح خبیث «فجار» را از بدن کثیفشان بیرون می‌کشند او را به آسمان می‌برند. آسمان‌ها او را نمی‌پذیرند و به زمین برمی‌گردانند آن هم نمی‌پذیرد، ناچار آن روح خبیث را می‌برند تا هفت طبقه زمین، همان جایی که جایگاه شیطان و طرفداران او است. شکنجه‌ای که در «سجين» برای شیاطین آماده شده از هر عذاب و شکنجه‌ای سخت‌تر است. (پناه بر خدا). (۱۲۴)

مغازه شیطان

در دنیا هر کس یک جایی برای خود برمی‌گزیند تا دارایی‌اش را در آن‌نگه دارد و یا در آن جا خرید و فروش کند، مانند تجار و کسبه بازار که برای کسب و تجارت خود دکانی تهیه می‌کنند و اجناس خود را در آن جا می‌گذارند. اگر کسی چیزی از آن مغازه ببرد، صاحب مغازه او راتعقیب کرده و مجازات و زندانی می‌کند.

همین‌طور شیطان هم برای خود جایی دارد که آن، تجارت‌خانه و مغازه شیطان، در دنیا است. در این مغازه کالاهای گوناگونی را در قفسه‌ها و طبقات قرار داده. اجناس این مغازه عبارت است از کبر، حسد، غضب، عصبیت، فخر، بخل، سوءالخلق، حرص، طمع، طول‌الامل، کسالت، ضجر، لهو و لعب، غفلت، قساوت، کینه، عجب، ریا، معصیت، خصومت و عداوت، فسق و جور، زنا و لواط، قتل و غارت، غیبت و تهمت و غیر این‌ها. در یک طرف مغازه این اجناس را در قفسه‌ها مرتب و منظم کرده، و در طرف دیگر مغازه دوست‌داشتنی‌ها مانند: دوستی دنیا، دوستی ریاست، دوستی طعام، دوستی زنان، دوستی خواب، راحت طلبی، دوستی کلام زیادی، دوستی برتری طلبی، و علو و رتبه، دوستی ثروت، دوستی درهم و دینار و دوستی حرام را چیده است. با این‌ها تجارت می‌کند و مردم را جذب خود می‌نماید. هر کس هر کدام از این‌ها را بخواهد به او می‌دهد. به هین خاطر یحیی بن معاذ

می‌گوید: دنیا دکان و مغازه شیطان است، پس هیچیک از اجناس این مغازه را سرقت نکن، زیرا اگر چیزی از آنها را بردی، شیطان تو را تعقیب و دنبال می‌کند تا تو را بگیرد و دیگر رهایت نمی‌نماید. (۱۲۵)

این بازار و مغازه شیطان، غیر از زیان، چیزی برای تو نخواهد داشت. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«الدنيا سوق الخسران»

«دنیا بازار زیان است». (۱۲۶)

و امام دهم حضرت هادی علیه السلام درباره دنیا می‌فرماید:

«الدنيا سوق ربح فيها قوم و خسر آخرون»، «دنیا بازار

است، بعضی از آن سود می‌برند و بعضی خسارت می‌بینند». (۱۲۷)

پس ای انسان بیدار باش! به بازار و مغازه شیطان نرو و چیزی را نندزد که صاحب آن تو را بیچاره و بدبخت می‌کند و به جهنم می‌برد.

مال التجاره شیطان

شیطان هم مانند سرمایه داران بزرگ و پول داران حرفه‌ای، سرمایه و مال التجاره‌ای آماده کرده و برای فروش، دنبال مشتری می‌گردد. مناسب است انواع و اقسام مال تجاره شیطان را که برای فروش به مردم عرضه می‌کند را از زبان خودش بشنویم.

روزی حضرت عیسی بن مریم علیه السلام شیطان را دید که پنج الاغ سیاه در پیش دارد و بارهایی بر آنان گذاشته و از راهی می‌رود. آن حضرت پرسید: ای شیطان! بار این الاغ‌ها چیست؟ و به کجای می‌روی؟ آن ملعون عرض کرد: ای روح الله! بار آنها مال التجاره است و برای فروش می‌برم.

فرمود: آیا هم کارها از یک قماش هستند؟ گفت: خیر، بار هر کدام با دیگری فرق می‌کند و هر الاغی یک نوع بار دارد.

گونه گونه هست بار این خزان

تو همه خر را به یک چوبی مران

حضرت عیسی به یکی از آنها اشاره کرد و پرسید: بار این الاغ چیست؟ شیطان گفت: ظلم و جور و تعدی است. فرمود: خریدار آن کیست؟ پاسخ داد: پادشاهان ظالم و حاکمان جور.

پرسید الاغ دومی چه بار دارد؟ گفت: غرور و خودپسندی. فرمود: چه کسی خریدارش است؟ عرض کرد: کدخداهای آبادیها، و رؤسای دهات.

پرسید: بر الاغ سوم چه بار کرده‌ای؟ گفت: حسد. فرمود: مشتری آن کیست؟ گفت: عالمان درباری و مزدوران آنها و نوکران اجانب (البته علمای خوب و واقعی حسد ندارند. حضرت علی علیه السلام درباره آنها فرمودند: آنها عالم ربانی هستند).^(۱۲۸)

پرسید: بار الاغ چهارم چه می باشد؟ گفت: بار آن خیانت است. فرمود: مشتری آن کیست؟ گفت: تجار و عمال و کارکنان تجار، کسانی که تجار آنها را امین خود قرار داده و برای خرید و فروش به شهرهای دور و نزدیک می فرستند، ولی آنان به جای امانت داری خیانت می کنند.

پرسید: آن دراز گوش پنجمی بارش چیست؟ پاسخ داد: نیرنگ. فرمود: خریدار آن چه کسانی هستند؟ جواب داد: زن ها مشتری و خریداران این بار می باشند.^(۱۲۹)

قرآن مکر زنان را از مکر شیطان بزرگ تر دانسته، آن جا که می فرماید: «ان کید کن عظیم،» کید و مکر زنان بزرگ

است»^(۱۳۰) درحالی که مگر شیطان را سست و ضعیف معرفی می کند. آن جا که می فرماید: «ان کید الشیطان کان ضعیفا،» به درستی که کید شیطان ضعیف است».^(۱۳۱)